



**امید به زندگی در نیم قرن گذشته در جمعیت زنان و مردان به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است، به‌گونه‌ای که میانگین عمر خانم‌های ایرانی نسبت به یکصد سال گذشته حدود دو برابر شده است و دختران مجرد ۴۰ سال به بالا عموماً از نظر زیستی و روانی آمادگی کامل برای ازدواج موفق و فرزندآوری مطلوب را دارند**

# کمین تجرد قطعی

**واکاوی وضعیت تجرد قطعی در دختران با عنایت به بالا رفتن سن و کاهش ازدواج**

ازدواج و تشکیل خانواده که روزگاری روال عادی زندگی افراد بود حالا کم‌کم از یک موضوع عادی خارج و به معادله پیچیده‌ای تبدیل شده است که بسیاری از جوانان و خانواده‌ها از پس حل کردن آن بر نیامده‌اند! چیزی حدود ۱۳ میلیون جوان در حال عبور از سن ازدواج و ۱۹ میلیون جوان در انتظار ازدواج آماری است که نشان می‌دهد در موضوع ازدواج و تشکیل خانواده با چالش جدی مواجه هستیم. طی ۱۰ سال گذشته

کمتر دختر و پسری را می‌توانید در سنین زیر ۲۰ سالگی پیدا کنید که برای ازدواج و به‌خانه‌بخت رفتن اشتیاق نداشته باشد. این اشتیاق در دهه سوم زندگی افراد و تا ۲۰ سالگی هم کم و بیش ادامه می‌یابد، اما بعد از ۳۰ سالگی هم دخترها و هم پسرها سخت‌گیرتر می‌شوند و به این سادگی‌های روزگار ازدواج نمی‌روند، اما گاهی اوقات افراد زمانی به خود می‌ایند که دیگر در آستانه ۵۰ سالگی قرار دارند و به تجرد قطعی رسیده‌اند. در جامعه ما هم با بالا رفتن سن ازدواج و از سوی دیگر با کاهش قابل توجه میزان ازدواج‌ها شاهد روند افزایشی تجرد قطعی هستیم؛

از افزایشی که در میان زنان بیشتر از مردان خودنمایی می‌کند و تبعات آن هم برای زنان بیشتر است.

## تجرد قطعی چیست؟

از نگاه جمعیت‌شناسی، واژه تجرد قطعی برای افرادی به کار می‌رود که بدون حتی یک‌بار ازدواج، وارد سن ۴۰ سالگی شده‌اند و از آنجا که احتمال مجرد ماندن این افراد بسیار بیشتر از ازدواج است، در محاسبه شاخص تجرد قطعی از آمار این بخش از جامعه بهره می‌برند و ورود به سن ۵۰ سالگی احتمال ازدواج را تقریباً به صفر نزدیک می‌کند. جامعه‌شناسان هم زمانی برای فرد از تجرد قطعی صحبت می‌کنند

که وی هرگز ازدواج نکرده و امیدی هم به ازدواج نداشته باشد.

تجرد قطعی اما به شکل اتفاق می‌افتد؛ یکی تجرد قطعی خودخواسته است و افراد به دلایلی خودشان تمایلی به ازدواج ندارند، اما تنوع دیگر تجرد قطعی تجرد قطعی ناخواسته است که بنا به شرایط اجتماعی به افراد تحمیل می‌شود و ناشی از انتخاب خود فرد نیست، به‌نظر می‌رسد آنچه امروز در جامعه ما در حال رخ دادن است و بسیاری از زنان و مردانی که دچار تجرد قطعی شده‌اند با انتخاب خودشان نبوده، بلکه شرایط بیرونی و اجتماعی نقش پررنگ‌تری در سوق

دادن این افراد به سمت تجرد قطعی داشته است.

## رشد تجرد قطعی در زنان نسبت به مردان

از سوی دیگر سرعت رشد تجرد قطعی در زنان از مردان بیشتر است. بالاتر بودن سرعت افزایش تجرد قطعی در زنان در مقایسه با مردان باعث شده تجرد قطعی زنان بیشتر از مردان شود. در سال ۱۳۴۵ تجرد قطعی مردان بیشتر و حدود دو برابر زنان بوده است و بعد از این سال تجرد قطعی زنان به تدریج افزایش و به مردان نزدیک شده و در سال ۱۳۷۵ تجرد قطعی زنان از مردان پیشی گرفته و در سال ۱۳۹۵ نسبت تجرد قطعی زنان به حدود ۱/۶ برابر مردان رسیده

است. دلیل رشد بیشتر تجرد قطعی در زنان نسبت به مردان هم به فرهنگ جامعه ما در فاصله سنی حداقل پنج ساله برای ازدواج بازمی‌گردد؛ بدین معنا که سن تجرد قطعی برای زنان اغلب در حدود ۴۵ سالگی و برای مردان بالای ۵۰ سال اتفاق می‌افتد، اما زمانی که دچار تجرد قطعی می‌شوند با شرایط سخت‌تری دست و پنجه نرم می‌کنند. تنهایی و اجبار به زندگی مجردی با تمام آسیب‌ها و سختی‌هایش به‌خصوص با عنایت به شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه برای زنان تبعات روانی و اجتماعی بیشتری را بر زنان نسبت به مردان تحمیل می‌کند.

## نظر کارشناس

### احساس تنهایی مهم‌ترین پیامد تجرد قطعی



تجرد قطعی یعنی زمانی که انسان شرایط مناسب سنی برای ازدواج را از دست می‌دهد. البته ممکن است فرد هنوز امکان ازدواج داشته باشد، اما دیگر شانسی برای باروری وی وجود ندارد. به‌طور کلی تجرد قطعی دختران در ایران افزایش پیدا کرده است، اما نمی‌توان آن را به طبقه خاصی از جامعه نسبت داد. ما در مواردی شاهد بودیم که در خانواده‌های سنتی و حتی روستاها تجرد قطعی دیده شده است. البته باید توجه داشت زیر پوست خانواده‌ها اتفاق می‌افتد و حالا خودش را نشان داده است. وسواس انتخاب به دلیل ویژگی‌های آرمان‌گرایانه در میان جوانان دهه ۶۰ بیشتر است و به دلیل همان آرمان‌ها ایده‌هایی که دارند؛ کمال طلب می‌شوند. جوانان دهه ۶۰ در مورد انتخاب فردی که می‌خواهند با آنها زندگی کنند؛ سختگیری می‌کنند

**عالیه شکر بیگی، دبیر کار گروه خانواده سالم معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری**

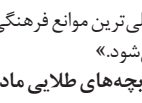
### ۷۰ درصد دختران در گروه سنی ۴۴ – ۴۰ سال مجرد هستند



افراد در سنین مختلف ازدواج می‌کنند، به همین خاطر هم گروه‌های سنی مختلف آمار تجرد متفاوت است. در زنان گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله ۷۸ درصد مجرد هستند. همچنین در گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله هم ۴۲ درصد مجرد، در گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله میزان مردها ۳۰ درصد است. با افزایش سن در زنان میزان مردها نیز کاهش می‌یابد. در ۵۰ سالگی میزان زنان مجرد ۲ درصد است. وقتی میزان مجردی در سنین مختلف کاهش پیدا می‌کند، به عدد ثابت می‌رسیم و به این سن تجرد قطعی گفته می‌شود.

در تمامی گروه‌های سنی به دلیل تأخیر در ازدواج سن مجردی افزایش پیدا می‌کند و این تأخیر باعث می‌شود زنان شناسان ازدواج‌شان را از دست بدهند. براساس محاسبات انجام شده در گروه سنی ۴۰ تا ۴۴ سال میزان مردها ۲ درصد بوده، اما

**شهلا کاظمی پور، جمعیت‌شناس**



ساله امروز همانند دختران ۲۰ ساله ۴۰ تا ۵۰ سال گذشته است، می‌افزاید: «امید به زندگی در نیم قرن گذشته در جمعیت زنان و مردان به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است، به‌گونه‌ای که میانگین عمر خانم‌های ایرانی نسبت به یکصد سال گذشته حدود دو برابر شده است و دختران مجرد ۴۰ سال به بالا عموماً از نظر زیستی و روانی آمادگی کامل برای ازدواج موفق و فرزندآوری مطلوب را دارند.» به گفته وی استناداردهای بهداشتی نسبت به گذشته فوق‌العاده فراگیر شده است و خانم‌ها از بیشتری‌ترین سلامت زیستی و مراقبت‌های بهداشتی برخوردار هستند و به دور از بسیاری از آسیب‌های گذشته می‌توانند در هر سنی ازدواج کرده و توفیق فرزندآوری را در بعد از سن ۴۵ و ۳۵ سالگی داشته باشند.

استاد ممتاز دانشگاه تهران ضمن تأکید بر اهمیت و اصالت ازدواج و فرزندآوری در دوره جوانی، با ارائه نتایج پژوهش‌های سال‌های اخیر در چندین کشور تصریح می‌کند: «حقیقت این است که ازدواج خانم‌ها بعد از ۳۵ و ۴۰ سالگی نیز به پدیده‌ای کاملاً طبیعی تبدیل شده است.»

افروز با بیان اینکه سن حقیقی انسان، برآیندی از سن زیستی و اطلس ژنتیکی و کروموزومی، سن روانی، عقلانی و سن تقویمی و شناسنامه‌ای است، می‌گوید: «برخی باورهای کلیشه‌ای نه‌چندان خوشایند پیرامون سن مطلوب ازدواج مانند باور به لزوم کمتر بودن سن دخترها نسبت به پسرها در زمان ازدواج مطرح می‌شود که دلایل عقلانی جهان‌شمول برای چنین باوری وجود ندارد و این امر از اقدام به بارداری کند.

## یادداشت



### پیش از تکرار تجربه غرب بازگردیم

محمد نیک ضمیر

خانواده بنیادی‌ترین نهاد هر جامعه و در جامعه ارزشی ایرانی دارای جایگاه ویژه‌تری است؛ به‌گونه‌ای که قوام و اعتلای جامعه در گروی اعتلای خانواده‌هاست؛ چرا که فرد در خانواده پرورش می‌یابد و سپس نقش‌های اجتماعی خود را در جامعه ایفا می‌کند. بدیهی است افرادی که در خانواده‌ای سالم و بنیادی پرورش یافته‌اند، در نقش‌آفرینی‌های اجتماعی خود نیز موفق‌تر خواهند بود. دلیلش هم واضح است. افرادی که در خانواده‌ای سالم‌تر پرورش یافته و تربیت شده‌اند، از ساختار شخصیتی محکم‌تر و سالم‌تری برخوردارند و در جامعه می‌توانند مؤثرتر و موفق‌تر باشند، اما اگر نهاد خانواده دچار آسیب شود به تناسب آن جامعه نیز ممکن است آسیب‌های جدی ببیند. یکی از نشانه‌های آسیب به بنیان و جایگاه خانواده زیرافرادگی مجردی یا خانواده‌های کاهش وقوع ازدواج، افزایش زندگی مجردی و افزایش آمار طلاق است.

افراد تربیت‌یافته در خانواده‌های نابسامان از رشد شخصیتی مناسب برخوردار نبوده و در نقش‌آفرینی‌های اجتماعی خود هم دچار چالش می‌شوند.

گزارش‌های اجتماعی در رابطه با موضوع خانواده در کشور ما هشدار آمیز است. این هشدارها وقتی جدی‌تر می‌شود که بدانیم خانواده‌های تک نفره از زندگی مجردی در کشور ما بارشد قابل توجهی مواجه بوده و به ۸ درصد خانواده‌های کشور رسیده است. آمار و ارقام ازدواج نیز به شکل نگران‌کننده‌ای کاهش یافته است، به‌گونه‌ای که حالا تکلیف ۱۹ میلیون جوان ۱۵ تا ۲۹ سال و در سنین مناسب ازدواج کشورمان مشخص نیست.

از این مهم‌تر آمار جوانانی است که از سن مناسب ازدواج عبور کرده‌اند. این افراد چیزی حدود ۱۳ تا ۱۴ میلیون جمعیت کشورمان را شامل می‌شود. بسیاری از جوانان دهه شصتی هم‌اکنون در سنین بالای ۲۰ سال قرار دارند و به رفته‌رفته از چرخه ازدواج و فرزندآوری خارج می‌شوند و به تجرد قطعی می‌رسند. این افراد تاگزیر به انتخاب زندگی مجردی و تنهایی خواهند بود، درحالی‌که اگر قوانین و سازوکارهای اجتماعی به‌گونه‌ای متناسب طراحی می‌شد تا این افراد را به سوی ازدواج و تشکیل خانواده پیش ببرد، با ازدواج‌هایی که صورت می‌گرفت، نه فقط با فرزندآوری این افراد رشد جمعیت کشور کمک می‌شد، بلکه پایه اجتماعی جامعه با تشکیل خانواده سالم و پایدار تقویت می‌گردید.

حالا اما با وجود برخی قوانین و اسناد زیر ساختی نظیر قانون تسهیل ازدواج جوانان، سیاست‌های کلی خانواده و سیاست‌های کلی جمعیت، نه‌فقط چالش‌های حوزه ازدواج و خانواده رفق نشده، بلکه با کاهش ۴۰ درصدی آمار ازدواج طی سال‌های اخیر نیز مواجه هستیم و این یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که اگر به آن رسیدگی نکنیم، لاجرم در گردابی خواهیم افتاد که به این سادگی‌ها نمی‌توان از آن بیرون آمد.

بسیاری از چالش‌های اجتماعی امروز جامعه ما نیز ناشی از کمرنگ شدن موضوع خانواده در کشور است. با وجود نقش و جایگاه و اهمیت خانواده در فرهنگ ایرانی و اسلامی موضوع خانواده و ازدواج در جامعه ما، حدود ۱۴ میلیون جوان ایرانی در حال رسیدن به تجرد قطعی هستند. پایان تجرد قطعی روی آوردن این افراد به زندگی مجردی است و زندگی مجردی در دوران میانسانی و سالمندی چالش‌های متعددی را گریبانگیر افراد می‌کند.

این چالش‌ها برای زنان به مراتب بیشتر از مردان خواهد بود و زنان تنها در دوران‌های میانسانی و سالمندی آسیب‌های روانی و جسمانی بیشتری را تحمل می‌کنند، اما این ماجرا تنها ابعاد فردی ندارد، بلکه ابعاد اجتماعی این‌سن تجرد و کمرنگ شدن نقش و جایگاه خانواده در جامعه را می‌توان در موارد متعدده به‌عینه مشاهده کرد. ملموس‌ترین اثر بی‌توجهی با مسئله خانواده و کاهش تشکیل خانواده و ازدواج در کشور را می‌توان در کاهش بی‌سابقه جمعیت کشور مشاهده کرد. این ماجرا اما به همین جا ختم نمی‌شود؛ پایه‌های سیاسی و امنیتی جامعه‌ای که خانواده در آن سست شده هم در معرض سستی و اضمحلال قرار می‌گیرد. بر همین اساس هم است که برای پوچ کردن یک جامعه قلب ساختار خانواده را نشانه می‌روند!

تجربه غرب در زمینه تضعیف ساختار خانواده کشورهای اروپایی و آمریکایی را در گردابی غرق کرد که حالا برای بیرون آمدن از آن راهی به جز احیای خانواده ندارند، اما آیا با این فرصت بازگشت برای ما هم وجود خواهد داشت؟ و آیا می‌توانیم توان آن را بدهیم؟